

نامه شاهزاده محمد علی میرزا

به وزیر امور خارجه فرانسه ۱

جناب وزارت و امارت مآب دولت و سماحت و بسالت اکتساب دیباچه صفوت و کیاست، عنوان فطنت و فراست، زیب و سادۀ محاسن و خصایل، زینت ارایک محامد و فضایل، مرصص بنیان الدوله بالفکر الثاقب، مؤسس ارکان الشوکه بالرأی الصائب، متمم مهام الامم قوام السیف والقلم دبیر روشن رأی مشیر ملک آرای سنیور له مرکی ده سل ۲ وزیر بی نظیر ممالک محروسه فرانسه بعواطف مترادف مشفقانه و مکارم کرایم جاودانه معزز و مؤید بوده از هر گونه سوانح کرانه همواره مشمول توجهات خاصه شهریارانه باد. بعد از تذکار مراسم محبت و وفاق و اظهار شرط ملاطفت و اشفاق مکشوف و مشهود می داریم که چون از روزی که بنیروی اعطاف حضرت خداوند و الطاف یزدان بی چون و چند آمیزش و دل بستگی و مهر جوئی و پیوستگی میان دو پادشاه خورشید گاه و دو شهریار تاجدار جهاندار که بر گزیده کرد گارند رخ داده و ابواب اتحاد و یکرنگی بدستیاری مقالید تأیید آفرید گاردر بین الدولتین علیتین مفتوح و گشاده گشته قطع نظر از مداومت سپاس بخشایش خدائی پرتو مهرورزی پادشاه زیجاء فلک سریر ملک ضمیر سیاره خدام ستاره چشم، خورشید سایه

جمشید پایه دوست نواز دشمن گداز، پنجه ساعد کشور گشائی و ملک گیری،
قبضه شمشیر سطوت و دلیری، طراز دانش فرهنگ زیب ا کیلی و اورنگ
شاهنشاه بلندبار گاه سترگ، ایمپراطور بزرگ حکمران ممالک محروسه
فرانسه و ناوار که تا فلک را مدار است و زمین را قرار پیشگاه آمالش
موقف مأمول باد، بنوعی فروغ افروز کاشانه دل مهر منزل گشته که [-]
الدهور و الاعتصار ز نار محبت در میان جان برقرار خواهد بود و شاهد ربط
و الفت پیرایه آغوش برو کنار. امید از خداوند لمیزل داریم که اینگونه
پیوند و ارتباط هر دو دولت روز بروز موجب گسستن امید بد خواهان
و شکستن شیشه دشمنان گردد. در چند وقت که چند تن از خدمت
گذاران آن سرکار که از درگاه گردون خرگاه آن دولت حرمان پذیرفته
و ارداین سرزمین، برفق ارادت درون مهر مشحون نواب ما ایشان را در نزد
خود نگه داشته و هر یک را بهر جهت مشمول هر گونه مهربانی و محبت فرمودیم.
بدین تقریبات اتفاقیه و تدبیرات حسنه بحمد الله اسباب مرادات فراهم آمده
سببات اظهار عهد محبت را وسیله خیری دست داده بود که بار سال سفیری
فتح الباب سبیلی بدان دولت سنیه نماید و نامه مهر ختامه پیشگاه حضور
خورشید ظهور پادشاه گردون جاه مرسل آید، بناء علیه فرزانه کار آگاه
دانای هر شیوه و راه موسی براشن^۱ که از مراسم سفارت و راه و رسم رسالت خبیر
بوده روانه داشته و بنگاشتن نامه مهر ختامه ورقم این پروانه ملاطفت نشانه
پرداخته گشت تا بخواست خدای یگانه سفیر مشارالیه بعد از رسانیدن خلوص
نامه سرکار پادشاهی و ملاقات او با آن مهر سپهر دانش و فرهنگ بشرح
برخی از رازهای یکجہتی و ایستلاف پردازد و آن دستور فطانت گنجور را
از مکنونات ضمیر انور نواب ما آگاه سازد و بر آن جناب این معنی پوشیده
نماند که در این یکدوسه سال لشکری از اهالی هر کشوری که در قلمرو
نواب ما هستند قدری تفنگ و چند عراده توپ بجهت لشکر مزبور در اینجا
ضرور یافته چنانچه باهتمامات جمیله آن جناب مساوی دوازده هزار تفنگ

باده عراده توپ و یکنفر معلم که پیادگان لشکر را آداب حرب و قانون جنگ را تعلیم دهد برای لشکریان ما بقیمت و بها که از آن سومشخص می نماید مساعدت نمایند و از آنجا به حمل جهاز و سفاین به بصره فرستاده آید و قیمت او را در اینجا کار گذاران نواب ما به بالیوز آن سرکار که در بغداد اقامت میدارد کارسازی خواهد نمود و ظهور این محبت از آن سو بر و فور مهر بانی و محبت نواب ما بچندین مراتب خواهد افزود و گماهی اینمطلب را نیز سفیر مشارالیه بسلك تقریر و بیان خواهد کشید. اکنون که مقدمات کردگار روابط الفت و دلبستگی نواب ما با آن دولت سپهر بسطت مربوط است باید آن جناب صفوت آداب گاهی متحمل برخی زحمات این طرف باشد، انجام مرام را بر ذمت همت خود لازم شمارد و این زحمات و تصدیعات را بمقتضای همت با فطرت خود زودتر صورت انجام و تمشیت اختتام داده و مساعی جمیله را مضایقه و دریغ نداشته در معانی ارتباط و ایتلاف بین الجانبین و استحکام بنیان اتحاد بین دولتین مساعی و اهتمام تمام و کوشش مالا کلام مرعی نمایند، در ادای شرایط دولتخواهی و حسن فکرت خود را کنار درنگیرند و هر گونه مدعیات را بقام عقیدت شیم بی ملاحظه مغایرت بر لوحه عرض نگارند. باقی، ایام خیریت انجام وزارت و صفوت و کامرانی جاودانی باد

محل مهر محمد علی میرزا